

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۲۸	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۹/۱۰
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	شرایط سلبی ولایت تفویض			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

### شرایط سلبی ولایت تفویض

در مباحث گذشته مجموعه‌ای از شرایط ایجابی ولایت تفویض را بیان کردیم؛ بحث امروز در شرایط سلبی است یعنی آنچه نباید در والی تفویض وجود داشته باشد.

#### ۱. عدم بخل

یکی از شروط سلبی در والی تفویض عدم بخل است که در روایات به آن تأکید شده است؛ از جمله در فرمایشات حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه که خطبه بسیار مهمی است و از خطبه‌های ناب حضرت امیر علیه السلام است که البته تمام خطبه‌های ایشان ناب است اما برخی از خطبه‌ها یک مرکزیت و جامعیت خاصی دارند. خطبه چنین آغاز می‌شود:

أَيُّهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ وَالْقُلُوبُ الْمُتَشَتِّتَةُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانُهُمْ وَالْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمْ أَظَارَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَعْوَةِ الْأَسَدِ هَيْهَاتَ أَنْ أَطْلَعَ بِكُمْ سِرَارَ الْعَدْلِ أَوْ أَقِيمَ اعْوِجَاجَ الْحَقِّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنْ مَنَا فَسَةٍ فِي سُلْطَانٍ وَلَا تِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخُطَاةِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْتِيَ مِنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ وَسَمِعَ وَأَجَابَ لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالصَّلَاةِ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالْذَّمَاءِ وَالْمَغَاوِرِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ



شاهد «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي ... الْبَخِيلُ» است؛ والی بر مسلمین نباید بخیل باشد. از این نص روایت همان مطلبی که قبلاً اشاره کردیم استفاده می‌کنیم که این شرایط مخصوص آن امامت کبری نیست بلکه به ملاک واحد به ولایت تفویض درجات پایین‌تر نیز منتقل می‌شود زیرا در اینجا ملاک بیان شده است: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ» که این همان ولایت تفویضی است که ما می‌گوییم که در این گونه مسائل اختیار تصمیم‌گیری دارد.

وقتی والی بخیل باشد، اموال مسلمین را برای خود جمع می‌کند و «نَهَمْتُ» در اینجا به معنای حرص شدید است.

«وَلَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ» که همان شرط علم است که آن را بیان کردیم.

«لَا الْجَافِي فَيَقْطَعَهُمْ بِجَفَائِهِ» یعنی دور نبودن و قطع ارتباط نکردن با مردم که آن را نیز در شرط مردم‌داری بیان کردیم و عبارت «فَيَقْطَعَهُمْ» قرینه بر همین است؛ آیه کریمه می‌فرماید:

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا»<sup>۱</sup>

پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند.

در اینجا هم «جفا» به معنای دور شدن و فاصله گرفتن است.

و والی رشوه‌گیر هم نباید باشد: «وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ». ممکن است کسی تصور کند که این حکم مخصوص حکم قضایی است زیرا در آیه می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمُ الْبَاطِلِ وَ تَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ»<sup>۲</sup>

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید.

که گفته می‌شود «الْحُكَّامُ» جمع حاکم به معنای قاضی است؛ اما خود حکم اعم از حکم قضایی یا هر حکمی که والی که ولایت تفویض است حکم صادر می‌کند.

«لَا الْمُعْطَلُ لِلْسُنَّةِ فِيهِلِكَ الْأُمَّةُ» سنت‌های رسول خدا ﷺ نباید تعطیل شود. در مباحث فقه عمران شهری به این مطلب پرداختیم که برخی سنت‌ها که در بُعد فردی استحبابی است، اما هنگامی که در بُعد اجتماعی می‌آید، اگر به این سنت در بُعد اجتماعی عمل نشود، تعطیل سنت پیش می‌آید. لذا این تعطیل سنت بیشتر

۱. سورة سجده: ۱۶.

۲. سورة بقره: ۱۸۸.

نظر به حاکم دارد؛ فرض کنید نماز شب خواندن که فعل مستحبی است اما اگر حاکم طوری برنامه‌ریزی کند که مردم کلاً از نماز شب خواندن محروم شوند و نتوانند نماز شب بخوانند، این تعطیل سنت است. نماز شب برای تک تک افراد مستحب است ولی حاکم نباید کاری کند که مردم نتوانند نماز شب بخوانند یا نباید کاری کند که مردم نتوانند نماز جماعت بخوانند.

ما با این دستوراتی که به این شکل در کرونا اتخاذ شده قطعاً مخالفیم، این تعطیل سنت است و جایز نیست؛ بله، می‌توان گفت در مساجد این عدد فرد حضور پیدا کنند و با فاصله، اما اینکه کلاً تعطیل شود، تعطیل سنت است و جایز نیست و ناشی از عدم آگاهی با احکام فقه نظام است؛ زیرا خیال می‌کنند که نماز جماعت و نماز جمعه مستحب است و لذا می‌گذاریم برای اوقات دیگر و اگر فعلاً تعطیل شود اشکالی ندارد؛ در حالی که این تعطیل سنت است و جایز نیست و اینطور نیست که اگر فعلی فی نفسه مستحب باشد، بشود یک قانونی را در جامعه گذاشت که بر اساس این قانون بساط آن فعل مستحب کلاً برچیده شود و برای مدت طولانی آن فعل مستحب از جامعه رخت بر بندد. لذا اگر بخواهیم به استناد «لَا الْمُعْطَلُ لِلْسُّنَّةِ» عمل کنیم یکی از چیزهایی که موجب سلب صلاحیت برای ولایت تفویض می‌شود، تعطیل سنت است.

این متن را کامل خواندیم زیرا متن جامعی از ناحیه دلالت بر شرایط سلبی ولایت تفویض است و از آن تعدادی از شرایط سلبی والی تفویض به دست می‌آید.

مسأله بخل مسأله مهمی است و در روایات مشورت هم آمده که حتی از مشورت با بخیل نیز نهی شده است و تعلیل آمده که زیرا بخیل تو را می‌ترساند از اینکه دست به کاری بزنی که به نفع مردم است؛ یک گرفتاری که ما در اوقاتی که مسئولیت داشتیم – چه در دزفول و چه در لندن و... – برای ما وجود داشت این بود که گاهی می‌خواستیم از همان اموال مردم به مردم نیازمند کمک ایرادی بر ما می‌گرفتند – زیرا دأب بنده این بود که اگر نیازمندی می‌آمد و نیازی داشت و پول هم بود به اندازه رفع نیاز او به او می‌دادیم – لذا ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند که تو ولخرجی می‌کنی و بریز و بپاش می‌کنی! این که کسی نیاز دارد و به او بدهی این بریز و بپاش است؟

این بخل و تنگ نظری خیلی از شیرینی‌های احکام اسلامی را برای مردم تلخ می‌کند و الان نیز در جامعه ما تلخ کرده است؛ و بعضاً دیده‌ام که کسی به پول حلال خودش افطار خوب به مردم داده در رسانه‌ها او را تخطئه کردند! خب پول خودش است و می‌خواهد افطار خوب به مردم بدهد؛ به تو چه ربطی دارد؟ بله، این که راه افطار ساده باز باشد که هر کس با هر توانی بتواند افطار دهد خیلی خوب است؛ اما اینکه افطار ساده بشود ارزش اولی و اگر کسی افطار ساده نداد، زیر سوال برود کار غلطی است.